

در شرایطی که بسیاری از کشورها شخصیت های خیالی می سازند تاخودشان را در میان ذهن های فرزندان ما جا بیندازند، ما با داشتن ابرقهرمان های بسیار در میراث فرهنگی مان هنوز نشسته ایم و به ابرانسان های آن ها نگاه می کنیم. در شرایطی که شاهنامه، این ظرفیت غنی فرهنگی ما، می تواند دست مایه ساخت انواع سریال ها و انیمیشن ها و فیلم ها باشد، باز هم مرغ همسایه برای ما غار است. این ماییم که به دست خود مان به صندوقچه ابرقهرمان های اصیل ایرانمان قفل زده ایم، به سراغ دیگران رفته ایم و برای آن ها به به و چه چه می کنیم و این چنین است که فردوسی بزرگ، خالق شاهنامه و البته کسی که حفظ و حیات زبان فارسی مان را به اومدیون

جایگاه فردوسی در دنیا

با مروری بر کرسی های مختلف تدريس اخلاق و فرهنگ در دنيا می بینیم نخستین پیام بشردوستانه ایران پس از اسلام، بیتی از شاهنامه فردوسی است که در معبدي در شهرى در ژاپن نگهدارى می شود. به اذعان روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامى قدیمی ترین نسخه خطی شاهنامه، سروده ابوالقاسم فردوسی، در کتابخانه ملی فلورانس، یکی از مهم ترین کتابخانه های ایتالیا و اروپا نگهدارى می شود. نام حکیم

جای خالی زنگ شاهنامه در مدارس

برای حفظ و پاسداشت نگهدارنده اصلی زبان مادری مان چه کرده ایم؟ چند درصد از خانواده های ما در قفسه کتابخانه خود شاهنامه دارند و چند درصد - به فرض در اختیار داشتن این اثر ملی - آن را خوانده اند؟ چند درصد ما تاکنون شاهنامه را به دست گرفته ایم یا به اطرافیانمان شاهنامه هدیه داده ایم؟ ۲۷ سال از سند زدن روز ۲۵ اردیبهشت به نام حکیم ابوالقاسم فردوسی و پاسداشت زبان پارسی می گذرد و ما همچنان اندر خم یک کوچه مانده ایم. آموزش مفاهیم شاهنامه در مدارس ابتدایی یا «زنگ شاهنامه خوانی»، زنگی بود که پس از پانزده ماه کار بر روی آن و برگزاری دوره های آموزشی برای معلمان منتخب، در ۱۷ آذر ۱۳۹۸ به صورت نمادین زده شد. در گام نخست این طرح، قرار بود با همکاری شهرداری مشهد و اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، دانش آموزان مقطع پیش دبستانی و کلاس چهارم ابتدایی تعدادی از مدارس از نواحی مختلف مشهد، این زنگ را داشته باشند. قرار بود در گام نخست، دو ساعت در هفته زنگ شاهنامه در ۳۲ مدرسه و مرکز پیش دبستانی با حضور ۱۵۰۰ دانش آموز از مدارس منتخب مشهد زده شود؛ اما هنوز جوهر آن تفاهم نامه خشک نشده بود که ویروس منحوس کرونا این زنگ را به خاموشی کشاند؛ موضوعی که وقتی وضعیت ادامه اجرای آن را از مدیر روابط عمومی آموزش و پرورش ناحیه تبادکان، به عنوان یکی از مناطق پایلوت اجرای این برنامه، می پرسیم، چنین پاسخ می شنویم که در ابتدای سال تحصیلی، آموزش شاهنامه به مدارس این ناحیه ابلاغ شده است؛ اما موضوع برای معلمان و مدیران اجباری نبوده است.

هزار راه نرفته برای معرفی حماسه سرای بزرگ

گزارشی به بهانه روز بزرگداشت فردوسی

«برای ابرانسان ها از چه عکسی استفاده کنیم؟» این سؤالى است که معلم درس فارسی از دانش آموزان کلاس چهارم ابتدایی خود می پرسد؛ سؤالی که بدون جواب نمی ماند، اما در بطن خود افسوس و آهی تأمل برانگیز دارد. واژه های بیان شده برای این جواب، غمی سنگین بر دل و روح و جان معلم می نشاند؛ جوابی از جنس مرد عنکبوتی و بتمن و لاک پشت های نینجا و باب اسفنجی شلوار مکعبی. ماجرای ابرقهرمان ها در ذهن کودکان این مرزوبوم باز هم همان قصه پرجسه تولیدات آن طرف آبی هاست. اما با برنامه ریزی منسجم و آموزش فرهنگی می شد فرزندان ما پاسخ سؤال معلم کلاس را با شخصیت های اساطیری ایرانی نظیر گرشاسب و فریدون ورستم و سهراب بدهند.

گزارش روز

روزنامه نگار

لاله سادات نوری

از خانه کودک و شاهنامه چه خبر؟

قرار بود آموزش مفاهیم شهروندی بر پایه شاهنامه و استفاده از مفاهیم غنی ادب فارسی به جای شخصیت های غربی که از رویکردهای مهم افتتاح خانه کودک و شاهنامه بود، با افتتاح خانه ای با همین نام کلید بخورد؛ خانه کودک و شاهنامه در ۱۹ آذرماه سال ۱۳۹۶ در مساحتی بالغ بر ۱۵۰ مترمربع در بوستان بخارایی مشهد افتتاح شد. افتتاح این خانه در زمان خود بارقه هایی از امید در دل فردوسی دوستان ایجاد کرد؛ اما دیری نپایید که خانه کودک و شاهنامه مشهد هم

غفلت از اندیشه فردوسی

همه این ها در حالی است که آنچه از دیدگاه امیر الهامی، پژوهشگر شاهنامه و استاد ادبیات، عامل اصلی مهجور ماندن شاهنامه فردوسی است، غفلت از فکر و اندیشه اوست. به گفته الهامی، ضرورت پرداختن به متون ادبی یک جریان دوسویه است؛ یعنی مادر عین حال که برای برطرف کردن نیازها به متون کهن می پردازیم، برای تقویت و افزایش مطالعه این متون که خود ضامن حفظ و بقای زبان و فرهنگ این تمدن می شود هم گام برداریم.

وی با بیان اینکه شاهنامه متن چندوجهی است، تأکید می کند؛ شاهنامه با بیان یک روایت حماسی در ادوار مختلف در عین بیان شاکله قهرمانی، در حقیقت همه نیازهایی را که متون دیگر، هر کدام به تنهایی، بخشی از آن را برآورده می کنند، به طور کامل برطرف کرده است. الهامی معتقد است که پرداختن به نیایش ها و مناجات نامه های شاهنامه می تواند نیاز روحی، روانی و عرفانی ما را برطرف کند؛ نیایش های شاهنامه را می توان در موضوعاتی نظیر توحید، عجز بنده در برابر خدا و...

این شاهنامه پژوه بیان می کند؛ این روزها چندوجهی بودن شاهنامه و پرداختن به این نیایش ها متأسفانه فراموش شده و تنها نوعی خوانش نقلی و بیان قهرمانی رهاورد پرداختن این روزهای مردم به شاهنامه است.

او می گوید؛ شاهنامه دانی این روزها صرفاً به شاهنامه خوانی منتهی شده است؛ آن هم نه شاهنامه خوانی به شیوه درست، بلکه تنها روایت چند طومار نقلی. ابیات بسیار زیادی از شاهنامه در وصف خدا و در نیایش با خداست که مورد غفلت واقع شده است.

چرا شاهنامه مهجور است؟ الهامی تأکید می کند؛ اگرچه ابیات شاهنامه حماسی است، اما ما از ابعاد تعلیمی آن غفلت می کنیم. پنדהا

واند رزهایی که فردوسی در شاهنامه به ماداده است، در حقیقت نیاز جامعه امروز ماست، اما از آن غفلت کرده ایم. اینجاست که می گوئیم شاهنامه مهجور مانده است.

وی با بیان اینکه توجه شاهنامه به جایگاه مادر

بودن زنان بسیار زیاد است، می افزاید؛ زمانی که از مباحث شاهنامه سخن به میان می آید، اولین موضوع بحث جنگاوری است و این در حالی است که بر خلاف بسیاری از حماسه ها، زن در شاهنامه یک حضور گذرا ندارد و سیمای زن گذرا نیست. حضور زن ارزشمند است؛ حضوری است که رنگ و لعاب اصلی داستان های شاهنامه را در خود دارد. درحقیقت به زنان شاهنامه از نظر سیرت و خرد و فرانگی بسیار می توان پرداخت.

الهامی بخش دوم دلیل مهجور ماندن شاهنامه را به واژه های فارسی آن ربط می دهد، چه این واژه ها نام های خاص باشند، چه کلماتی که در فرهنگ های مختلف شاهنامه تدوین شده اند. او می گوید؛ به صورت دقیق به واژه های شاهنامه ظرافتی که فردوسی از زبان اصیل ایرانی را به کار برده است، آن ها را به کار ببریم. این استاد ادبیات

می افزاید؛ بسیاری از رسوم و سنت ها و آداب نیک ایرانیان در شاهنامه مطرح شده است، اما امروز خاستگاهش برای مردم ما مشخص نیست. خاستگاه نوروز در متون کهن ما روز بر تخت نشستن جمشید است. اهمیت این داستان در شاهنامه چیست؟ جمشید با مطرح کردن نوروز نوعی توجه خاص به مفهوم گاه شماری دارد. درحقیقت جشن هایی مثل نوروز بیانگر دانش کیهانی نیاکان ماست.

وی با انتقاد از این موضوع که جوانان ما با قهرمانان شاهنامه آشنا نیستند، اظهار می کند؛ گاهی خانواده های ما برای فرزندانشان نام های اروپایی و غربی انتخاب می کنند که این لطمه بزرگی بر بدنه زبان و فرهنگ ماست. او با اشاره به همه این موارد، تأکید می کند؛ در حقیقت این اندیشه و فکر فردوسی است که مهجور مانده است.

شاهنامه مهجور است؛ چون ما با نخواندن جزء به جزء شاهنامه، خود را از آن محروم کرده ایم. چه باید کرد؟ الهامی درباره راهکار جریان این مسئله نیز اظهار می کند؛ راهکار اول رواج واژگان اصیل فارسی است و راهکار دوم یادگرفتن سیر و سلوک قهرمانان شاهنامه که آینه تمام نمای تفکر نیاکان ما هستند.



نقش کهن الگوها در زیست شهری

چنین گفت رستم که یزدان سپاس که بودم همه ساله یزدان شناس فتوت و پهلوانی رستم نیز در سراسر شاهنامه به چشم می خورد. این خصیصه در اسطوره های مشابه دیگر متون ادبی ملت های صاحب اسطوره کمتر دیده می شود و این وجه تمایز را حکیم توسی به بهترین و هنرمندانه ترین شکل ممکن خلق کرده است و یکی از رموز جاودانگی شاهنامه نیز همین آمیختن لطیف و خوش ترکیب کهن الگوها و اسطوره های باستانی با واژه ها و حکمت های پرمغز اسلامی است.



شهریار منطقه ۱۷ کهن الگوها در زیست شهری

کهن الگوها و اسطوره های بومی مانند هرکول (نماد قدرت)، پهلوان ایزدگونه، است. راز جاودانگی شاهنامه و هنرنمایی حکیم توس در آمیختن اسطوره ها و کهن الگوهای باستانی ایرانی با حکمت ها و آموزه های فرهنگ غنی اسلامی است؛ برای مثال رستم در شاهنامه نماد اقتدار و نیرومندی است؛ با وجود این هرگاه آوردگاه مبارزه و زور آزمایی فرامی رسد، رستم از ایزد یکتا طلب عنایت می کند و مدد می جوید و غلبه بر رقیب را عنایت ایزدی قلمداد و دستاورد ظفر را به پیشگاه ایزد یکتا پیشکش می کند.

نقش کهن الگوها در شکل گیری هویت جوامع بشری نقشی انکارناپذیر است و حکیم ابوالقاسم فردوسی با خلق شاهکاری مانند شاهنامه به بهترین وجه ممکن کهن الگوها و اسطوره های باستانی ایران زمین را باز زنده سازی کرده است. حکیم ابوالقاسم فردوسی، حماسه سرای بلند آوازه توسی، با پدید آوردن اثری جاودان مانند شاهنامه، نه تنها زنده کننده زبان پارسی است، بلکه کهن الگوها و اسطوره های باستانی ایران زمین را نیز جاودان کرده است. البته پدیده کهن الگوها منحصر به زیست بوم ایران نمی شود و برای مثال یونان نیز در مغرب زمین دارای